

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL

پروپوزال

مركز آموزش
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



مركز آموزش
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus

مركز آموزش
آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترکیه های جستجو

سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

دانشگاه پیام نور استان قزوین

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

ISC

کتابخانه تخصصی همایش

۸۸۱۰-۶۶۶۵

جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی

اهداف و بایستگی‌های تربیت اعتقادی باور به خداوند در سیره رضوی

سید ابوالقاسم موسوی

دکترای مدرسی معارف از دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

چکیده: تربیت اعتقادی مهم‌ترین بخش نظام جامع تربیتی اسلام است که در آن اصول اعتقادات اسلام؛ یعنی باور به خداوند، پیامبران، امامت و معاد به مرتبه‌ای منتقل می‌شود. در این بین، اعتقاد به وجود خداوند اصل و بنیاد دیگر باورها به‌شمار می‌رود. از آنجا که اسلام، نظام تربیتی ویژه خود را ارائه کرده، لازم است تا اهداف مناسب با اصول اعتقادی اسلام بر مبنای متون اسلامی استخراج شده و تعیین شوند. یکی از منابع استخراج اهداف تربیتی، سیره قولی و عمل امامان معصوم از جمله امام همام علی بن موسی الرضا است که به اعتبار فرصت تاریخی ویژه‌ای که برای آن حضرت پدید آمد، می‌تواند منبع سرشاری از نظامات تربیتی را دربر داشته باشد. مقاله حاضر با این پیش فرض، به تبیین اهداف تربیت اعتقادی باور به وجود خداوند بر اساس سیره و سخنان حضرت رضا پرداخته است. اهدافی؛ مانند: اقرار به وجود خداوند و یگانگی او، ایمان به وجود خداوند متعال و یگانگی او، نفی تشبیه همراه با تنزیه همواره باری تعالی، عین هم دانستن ذات و صفات باری تعالی، نفی جبر و تفویض، فهم دقیق صفات خبری، نفی جسمانیت و مادیت از خداوند متعال، درک نزدیک بودن خداوند متعال و درک دقیق و همه جانبه توحید باری تعالی، اهداف تربیتی قابل برداشت از سخنان حضرت رضا در باور به خداوند است.

کلیدواژه: تربیت، اعتقاد، تربیت اعتقادی، اهداف تربیتی امام رضا، باور به وجود خدا.



مقدمه

تربیت دینی عنوانی است که در نگرش‌های سکولاریستی و نگرش اسلامی، معنا و مفهوم متفاوتی دارد. در نگرش سکولار، به آموزش دین یا آموزه‌های یک دین خاص در کنار دیگر آموزش‌ها اطلاق می‌شود؛ به عبارت دیگر، انسان‌ها در زندگی خود متناسب با نیازهایشان آموزش‌های مختلفی می‌بینند که آموزش دین یکی از آنها می‌باشد. چنانکه پیداست، در این نگرش، دین خود به بخشی از نیازهای انسان تحویل رفته و در عرصه کارکرد نیز برطرف‌کننده برخی از نیازهای آدمی می‌باشد. این در حالی است که در نگرش اسلامی، دین تمام قلمروهای زندگی انسان را دربر می‌گیرد و آموزش‌های دینی نیز کارکردهای گسترده و متنوعی پیدا می‌کنند. با توجه به اینکه اسلام تمام جنبه‌های زندگی انسان را دربر می‌گیرد، تربیت اسلامی نیز مکتب جامع تربیتی خواهد بود که متناظر با جنبه‌های مختلف انسان، گونه‌های مختلفی از تربیت ذیل آن قابل تعریف و تبیین است. تربیت اعتقادی یکی از آنهاست. به دلیل اصالت باورها در وجود انسان و اصالت آنها در بین آموزه‌های دینی، تربیت اعتقادی را می‌توان اصلی‌ترین و مهم‌ترین انواع تربیت دانست. مسائل مختلفی در موضوع تربیت اعتقادی وجود دارد که هر کدام به بخشی از این موضوع پرداخته‌اند. یکی از آنها اهدافی است که در امر تربیت اعتقادی به کار می‌روند. با توجه به اینکه اعتقادات اسلامی سه عرصه خداباوری، راهنماباوری و معادباوری را شامل می‌شود و هر یک را نیز می‌توان بر اساس منابع اسلامی از قرآن و سنت معصومین مورد بررسی قرار داد، مسائل متعددی شکل می‌گیرد. بر این بنیاد، مسئله و پرسش اصلی این مقاله آن است که اهداف قابل برداشت از سخنان حضرت رضا در تربیت اعتقادی و در عرصه ایجاد باور به وجود خداوند کدام‌اند؟

آثار و نمونه‌های به دست آمده در موضوع تربیت اعتقادی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را می‌توان به دو بخش عام و خاص تقسیم نمود. آثار عام که بیشتر در قالب کتاب و پایان‌نامه ارائه شده‌اند، ضمن بحث از تربیت دینی به صورت کلی به تربیت اعتقادی نیز پرداخته‌اند. آثار اختصاصی نیز که بیشتر در قالب مقاله نگارش یافته‌اند، اهداف تربیتی را از دیدگاهی ویژه و در عرصه‌ای خاص مطرح نکرده‌اند و غالب آنها ناظر به تمام عرصه‌های اعتقادی و مبتنی بر تمام منابع اسلامی شکل گرفته‌اند. اما با توجه به جایگاه مهم اعتقادات در انتخاب سبک زندگی و نیز جهت دهی به حیات انسان لازم است پژوهش‌هایی جامع‌نگر از دو جنبه علمی و عملی صورت پذیرد و به صورت جداگانه هر یک از عرصه‌های یاد شده از دیدگاه ویژه و منظر خاص یک انسان الهی؛ یعنی امام معصوم مورد بررسی قرار گیرد؛ چه اینکه متصور است در موقعیت تاریخی برآمده از فرصت بی‌بدیل تبیین تربیت اسلامی و اهداف مطرح شده در سخنان امام رضا کارگشا و البته کاری نوآورانه و مسئله جدید است.

مفهوم‌شناسی

ترکیب تربیت اعتقادی از دو واژه تربیت و اعتقاد تشکیل شده است؛ از این رو برای به دست آوردن فهم دقیق‌تری از آن باید نخست معنای این دو واژه را دریافت.

سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

تربیت

تربیت مصدر باب «تفعیل» از مادهٔ رَبَّوْ، به معنای زیاد کردن، رشد دادن یا وسیلهٔ رشد را فراهم نمودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۵/۱۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۳۴۰) نیز به معنای پاک گرداندن هم به کار رفته است (شرتوتی، ۱۴۰۳: ۳۸۶/۱). اما تربیت از ریشه رَبَبَ به معنای سوق به سوی کمال معنوی می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۲۶: ۳۵/۴). در این صورت تربیت فقط به رشد کمی اختصاص نخواهد یافت، بلکه شامل رشد کیفی نیز خواهد شد (صانعی، ۱۳۷۵: ۱۱). در تمام این معانی، زیاد شدن و تکامل تدریجی لحاظ شده است؛ از این رو مفاهیمی؛ مانند به‌سازی، تدبیر، خوب‌رسیدگی نمودن، ادب کردن، پدیدآوردن چیزی و تکامل تدریجی آن، حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و تتمیم که برای «ربو و ربب» نقل شده، از آثار و لوازم تربیت و سوق به کمال شمرده خواهند شد. معادل انگلیسی تربیت «Education» است. این واژه یا از ریشهٔ یونانی «Educare» به معنای تغذیه یا خوراک دادن یا از ریشهٔ «Educere» در معنای بیرون کشیدن و رهنمودن به... و به اختصار پروردن است. همچنین می‌توان واژه «Upbringing» را نیز با توجه به آنچه در فرهنگ‌های لغت درباره آن آمده است به معنای تربیت گرفت (Hornby, ۲۰۰۰, ۱۴۲۹). حق‌شناس، ۱۳۸۱: ۱۸۴۲).

تعاریف اصطلاحی تربیت نیز عموماً ناظر به تعاریف لغوی شکل گرفته‌اند و متأثر از رویکردهای مختلف، متعدد شده‌اند. در بیشتر رویکردهای فلسفی که عمدتاً از سوی فیلسوفان مسلمان ارایه شده، تربیت به روند بالفعل ساختن استعدادها برای دست‌یابی به کمالات دنیوی یا اخروی تعریف شده است (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۶۷/۱-۱۷۳؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۳۳). در رویکردهای با صبغه اسلامی نیز تربیت فرآیندی است که به دنبال ایجاد تغییر تدریجی در ساحت‌های مختلف بدنی و روحی و رفتاری با هدف دست‌یابی به کمال انسانی بر اساس آموزه‌های اسلامی تحقق می‌یابد (اعرافی، ۱۳۸۷: ۲۸/۱).

اعتقاد

اعتقاد از ریشه «عقد» و مصدر باب افتعال می‌باشد. اعتقد به معنای سخت و شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱/ ۱۴۰). مشتقات دیگر آن؛ مانند عقده نیز در همین معنا به کار می‌روند. به آنچه تصدیق شده و قلباً باور شده نیز اعتقاد گفته می‌شود (مهیار، بی‌تا، ص ۹۴). به در دل گرفتن، گرویدن، یقین کردن، تصدیق کردن، عقد قلب و دل بر چیزی بستن و بدان ایمان آوردن. در معنای مشهور به تصدیق جزمی ذهن نیز اطلاق می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۸: ۲۹۴۲/۷). باور داشتن و ایمان به درستی چیزی را نیز اعتقاد گویند (عمید، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۲۶؛ معین، ۱۳۴۲: ۱/ ۳۰۲). همچنانکه در تعاریف نیز آمده، اعتقاد را می‌توان با ایمان مترادف دانست. اعتقادات در تقسیم‌بندی‌های رایج از اسلام، قسیم اخلاقیات و اعمال عبادی قرار می‌گیرد. اصطلاح «اصول دین» نیز به صورت دقیق، ناظر به بخش اعتقادات دین است. توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد متعلقات اعتقادات در نگرش شیعی است (فیض کاشانی، ۱۴۰۳: ۱۸۷).

سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

ISC

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

بر اساس آنچه گفته شد، تربیت اعتقادی را می‌توان این گونه تعریف کرد: فرآیندی که به ایجاد و تعمیق باورهای اعتقادی اسلام؛ یعنی باور به وجود خداوند، پیامبران، امامت و معاد در مخاطبان و شکوفایی و به کمال رساندن آن‌ها می‌انجامد.

هدف

هدف در لغت به معنای هر چیز بلند، تپه یا کوه به کار رفته و گویا نشانه تیراندازی از این جهت که در ارتفاع قرار داده می‌شود، هدف نام گرفته است. بر این اساس، هدف برابر با یک معنا، همان غرض است که با وسعت بخشی در معنای آن به «سرانجامی که کار به سوی آن نشانه می‌رود» گفته می‌شود؛ البته سرانجامی که هم می‌تواند بیرونی باشد؛ مانند حرکت‌های مکانی یا درونی همچون لذت بردن از انجام کاری (فتحعلی، ۱۳۹۱: ۲۱۲-۲۱۳). هدف، تعیین بخش جهت و مقصد حرکت است و برای مصون ماندن از کج‌روی‌ها در مسیر، می‌باید از پیش معلوم باشد. در اصطلاح فلسفی، از واژه غایت برای یکی از دو معانی زیر استفاده می‌شود که به معنای هدف و غرض بسیار نزدیک است:

۱. پایان حرکت که به نقطه پایانی هر حرکت اطلاق می‌شود.
۲. متعلق خواست فاعل مختار که آنچه فاعل مختار کار خود را برای آن انجام می‌دهد، غایت او از آن فعل به شمار می‌آید. در این جا هدف با معنای دوم مترادف است (همان).

تربیت در اصطلاح، فرآیندی هدفمند است و بی‌شک تعیین هدف در این راستا، سودهنده و تعیین کننده مقصد و مقصود از فعالیت‌های گونه‌گونی می‌باشد که در عرصه تربیت صورت می‌پذیرد. مراد از هدف در تربیت، پیامدی است که با انجام دادن رفتارهای مشخص و برنامه‌ریزی شده، پدیدآیی آن از دیدگاه صاحب نظران و برنامه‌ریزان و نه لزوماً از دیدگاه خود تربیت‌کنندگان، مطلوب دانسته می‌شود (همان). از آن جا که تفاوت در هدف گذاری تربیت در شناخت دیگر مؤلفه‌های آن اثرگذار است، به نظر می‌آید که نخستین و مهم ترین کار در جداسازی تربیت دینی از دیدگاه‌های همراه، روشن نمودن دقیق هدف یا اهداف آن است. البته اهداف تربیتی باید دارای ویژگی‌هایی نیز باشند که در جای خود قابل بررسی است (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۵۳-۵۴/۱).

«هدف» در تربیت به معنای وضع نهایی و مطلوبی است که آگاهانه سودمند تشخیص داده شده و برای تحقق آن می‌باید فعالیت‌های مناسب تربیتی صورت گیرد و به طور کلی هدف‌های تربیتی سه کارکرد دارند:

الف) تعیین گونه تربیت و ساماندهی فعالیت‌های تربیتی؛

ب) ایجاد انگیزه در فراگیر (متربی)؛

ج) ارائه معیار برای ارزیابی فعالیت‌های تربیتی.

تربیت دینی از راه بررسی و واکاوی همه‌جانبه نیازها و درون‌داشت‌ها و بهره‌مندی از توانایی‌ها و قابلیت‌های دینی و معنوی فراگیران با تکیه بر عقلانیت، آنان را در سوی رستگاری و نیک‌بختی رهنمون می‌سازد. به بیانی دیگر می‌توان گفت، هدف از

تربیت دینی افراد دیندار است و دیندار کسی است که معنا و حقیقت دین را درک کرده و آموزه‌های دین راهنمای او در زندگی باشد. تربیت دینی بر آن است تا فراگیران دارای وجدانی زنده، حساس و درونی بیدار و پذیرنده باشند و خویشتن را مرهون کنش‌ها و رفتارهای خود بدانند.

برای دین‌داران و نیز جامعه و حکومت دینی دانستن اینکه پیشوایان معصوم در عرصه تربیت اعتقادی چه اهدافی داشته‌اند، اهمیت بسیار خواهد داشت. با توجه به اینکه در این مقاله، منبع مطالب سیره و سخنان امام رضا است، مسئله اصلی از این قرار می‌باشد: در سیره و سخنان امام رضا اهداف و بایستگی‌های باور به خداوند متعال چیست؟

اهداف تربیت اعتقادی باور به خداوند در سیره رضوی

۱. اقرار به وجود خداوند و یگانگی او

در سخنان حضرت رضا سطوح مختلفی از باورها در مورد خداوند متعال مطرح شده است. بر اساس برخی از این روایات سطح نخست، اقرار است. پیداست که اقرار می‌تواند زبانی صرف باشد و تبدیل به باور قلبی نشده باشد. از این رو نخستین گام در تربیت اعتقادی فراهم ساختن اقرار است. متعلق این اقرار نیز بر اساس روایت امام رضا وجود خداوند متعال و برخی از مهم‌ترین صفات باری تعالی است: «سَأَلْتُهُ عَنْ أَدْنَى الْمَعْرِفَةِ قَالَ الْأَقْرَارُ بَأَنَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ لَا شَيْبَةَ لَهُ وَ لَا نَظِيرَ لَهُ وَ أَنَّهُ مُثَبَّتٌ قَدِيمٌ مَوْجُودٌ غَيْرُ فَعِيدٍ وَ أَنَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸۶/۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۸۳)؛ از علی بن موسی الرضا درباره فروترین مرتبه معرفت به خداوند پرسیدم، ایشان فرمودند: اقرار به اینکه خدایی غیر او نیست و شبیه و همانندی ندارد و اینکه او قدیم است و همواره موجود می‌باشد و مانند او چیزی نیست.

هدف از تربیت اعتقادی آن است که آدمیان همواره به وجود خداوند و بی‌مانندی و یگانگی و ازلی و ابدی بودن او اقرار داشته باشند. البته بر اساس دیگر سخنان حضرت رضا می‌توان دریافت که این سطح نخستین مرحله در تربیت اعتقادی است و این گونه تربیتی سطوح و مراتب دقیق‌تر و عمیق‌تری نیز دارد که در آن‌ها به اقرار تنها آن‌هم به هر صورت اکتفا نمی‌شود.

۲. ایمان به وجود خداوند متعال و یگانگی او

مرتبه بعدی تبدیل اقرار به ایمان است. بر اساس احادیث نقل شده از امام رضا ایمان دارای سه بخش است: شناخت قلبی، اقرار زبانی و عمل با اعضا و جوارح. در برخی روایات ایمان را به قول و عمل نیز معنا کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۲۶/۱). به همین دلیل است که امام رضا مرتبه پس از اقرار به وجود خداوند و یگانگی او را ایمان به اقرار دانسته‌اند: «سَأَلْتُ الرَّضَا عَنِ التَّوْحِيدِ فَقَالَ كُلُّ مَنْ قَرَأَ قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آمَنَ بِهَا فَقَدْ عَرَفَ التَّوْحِيدَ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۹۱/۱)؛ راوی می‌گوید، از امام رضا درباره توحید پرسیدم، آن حضرت فرمودند: هر کس سوره توحید را بخواند و به آن ایمان داشته باشد، توحید را شناخته است... بر این اساس از دیدگاه امام رضا باید به وجود و یگانگی خداوند ایمان آورد. ایمان همان باور قلبی می‌باشد که در مرتبه پس از اسلام و عمیق‌تر از آن است.

بنابراین باید برنامه‌ریزی‌ها و آموزش‌ها به گونه‌ای باشد که فرد پس از اقرار به وجود خداوند به آن ایمان نیز پیدا کند. روایتی



سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

از امام رضا در این باره قابل توجه است و می‌توان بر اساس آن راه‌حل این مشکل را ارائه نمود. در این مقام با اشاره به این روایت به توضیح مختصری اکتفا می‌کنیم و بیان مفصل این مطلب را در فصل روش‌های تربیتی خواهیم آورد. از امام رضا درباره ایمان و اسلام سؤال شد، فرمودند: «قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ إِنَّمَا هُوَ الْإِسْلَامُ وَالْإِيمَانُ فَوْقَهُ بَدْرَجَةٌ وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيمَانِ بَدْرَجَةٌ وَالْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بَدْرَجَةٌ وَ لَمْ يُقَسَمَ بَيْنَ النَّاسِ شَيْءٌ أَقْلُ مِنْ الْيَقِينِ ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۲/۲)؛ امام باقر فرموده‌اند: همانا دین فقط اسلام است و ایمان یک درجه بالاتر از آن می‌باشد و تقوا یک درجه بالاتر از ایمان است و یقین یک درجه بالاتر از تقوا می‌باشد و میان مردم چیزی کمتر از یقین تقسیم نشده است ... حضرت در این رهنمود، یقین را ریشه تقوا، ایمان و اسلام دانسته‌اند. یکی از لوازم این سخن آن است که رفتارها و باورهای انسان همه می‌باید مستند به یقین باشند؛ یعنی باورها باید یقینی شوند.

بنابراین هدف تربیت از دیدگاه امام رضا در این بخش، رسیدن به باور یقینی از جمله باور به وجود خداوند متعال است؛ یعنی باید شرایطی فراهم گردد تا همگان باورهای خود را بر بنیاد یقین استوار سازند و تنها امور یقینی را پذیرا باشند. البته مراد از یقینی بودن، یقین روان‌شناختی می‌باشد که برآمده از برهان و بینة آشکار است.

۳. نفی تشبیه همراه با تنزیه همواره باری تعالی

ویژگی دیگر هدف در تربیت اعتقادی ایجاد و نهادینه سازی نگرش تنزیهی در خداباوری است. این مطلب در روایات متعددی از امام رضا بیان گردیده است. حضرت در روایتی از پیامبر نقل می‌کنند که خداوند فرمودند: «مَا آمَنَ بِي مَنْ فَسَّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَ مَا عَرَفَنِي مِنْ شَبْهِنِي بِخَلْقِي وَ مَا عَلِيَ دِينِي مَنْ اسْتَعْمَلَ الْقِيَاسَ فِي دِينِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۶)؛ به من ایمان نیاورده است کسی که کلام من را با رأی و نظر (ناقص و نادرست خود) تفسیر کند و مرا نشناخته کسی که من را به آفریدگانم تشبیه کند و کسی که در دینش قیاس را به کار گیرد بر دین من نیست. ایشان در روایتی دیگر می‌فرمایند: «إِنِّي بَرِيءٌ يَا إِلَهِي مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوا لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۲۵)؛ من براءت می‌جویم از کسانی که تو را از راه تشبیه می‌طلبند، هیچ چیز مانند تو نیست.

تأکید حضرت در این روایات بر نفی تشبیه است. این مهم در روایات امام رضا نیز نمود بارزی دارد: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ وَ لَا يُدْرَكُ بِالْبَصَارِ وَ الْأَوْهَامِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۶۱)؛ خداوند متعال به مکان توصیف نمی‌شود و با چشم و وهم نیز ادراک نمی‌شود. امام رضا در روایتی دیگر می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَيْفَ الْكَيْفِ فَهُوَ بَلَا كَيْفٍ وَ أَيْنَ الْأَيْنِ فَهُوَ بَلَا أَيْنٍ وَ كَانَ اعْتِمَادُهُ عَلَى قُدْرَتِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۲۵)؛ خداوند متعال کیفیت‌ها را به وجود آورده و خود کیفیت ندارد و مکان را به وجود آورده و خود مکان ندارد و تکیه او بر قدرت خویش است. همچنین در این باره می‌توان به روایاتی اشاره نمود که توصیف خداوند متعال را نفی کرده‌اند. در عین حال آیات و روایات متعددی که از واژه «سبحان» در سخن گفتن از خداوند استفاده کرده‌اند نشان دهنده این است که هر کس بخواهد از خداوند سخن بگوید باید سخنش را با تنزیه



سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

ذات متعال آغاز کند. در واقع همه باید بدانند که خداوند آنی نیست که در ذهن خود دارند. به همین دلیل است که امام باقر می‌فرماید: «كُلُّ مَا مَيَّرْتُمُوهُ بِأَوْهَامِكُمْ فِي أَذَقِ الْمَعَانِي فَهُوَ مَخْلُوقٌ مَصْنُوعٌ مِثْلَكُمْ مَرْدُودٌ إِلَيْكُمْ» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۰۶/۴)؛ هر آنچه شما در وهم خود درباره خداوند متعال ساخته‌اید همانند شما ساخته‌ای است که شما آفریده‌اید. بنابراین آنچه مخلوق ذهنی محدود است خود نیز محدود می‌باشد و محدود وصف نامحدود قرار نمی‌گیرد.

۴. عین هم دانستن ذات و صفات باری تعالی

یکی دیگر از اهداف تربیت اعتقادی باور و فهم عینیت صفات و ذات باری تعالی است. البته به نظر می‌رسد دلیل اهمیت این مسئله در قابلیت آن برای ایجاد مرزبندی فکری است؛ به عبارت دیگر در زمان امام رضا یکی از وجوه تمایز گروه‌های اعتقادی با یکدیگر، دیدگاه آنان درباره رابطه صفات با ذات باری تعالی است. از آنجا که خداشناسی شیعه دوازده امامی استدلالی و برهانی است امامان شیعه بر عینیت ذات و صفات تأکید کرده‌اند.

در روایتی از امام رضا درباره دیدگاهی که خداوند را عالم به علم و قادر به قدرت و حی به حیاتی می‌داند پرسیده شده است که ایشان در پاسخ فرمودند: «مَنْ قَالَ ذَلِكَ وَ دَانَ بِهِ فَقَدْ اتَّخَذَ مَعَ اللَّهِ آلَهَةً أُخْرَى وَ لَيْسَ مِنْ وَ لَأَيُّنَا عَلَى شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِيمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا لِذَاتِهِ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ الْمُشْرِكُونَ وَ الْمُشْبِهُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۱۹/۱)؛ هر کس چنین حرفی بزند و به آن معتقد باشد، در واقع به همراه خدا، به خدایان دیگری قائل شده است و چنین شخصی از دوستان ما محسوب نمی‌شود، سپس فرمودند: خداوند همیشه به ذات خود عالم، قادر، حی، قدیم، شنوا و بینا بوده است، خداوند والاتر و بالاتر از آن است که مشرکین و تشبیه‌کنندگان می‌گویند.

در این روایت با صراحت آمده است که علم، قدرت، حیات و دیگر صفات باری تعالی جدای از ذات نیستند، بلکه عین ذات خداوند متعال اند. اهمیت این باور در این است که پذیرش آن لازمه و به گونه‌ای مقدمه درک دقیق معنای توحید و ایجاد نگرش وحدت‌انگارانه به هستی است.

۵. نفی جبر و تفویض

یکی از کهن‌ترین مسائل و دغدغه‌ها در ارتباط با الهیات و خداشناسی، بحث ارتباط خواست و اراده خداوند و اراده انسان است. همواره دو نگاه متفاوت در این باره وجود داشته است: نگرش جبر انگار که همه امور از جمله اراده و تمام کارهای انسان را به خداوند نسبت می‌دهد. در مقابل دیدگاه به اصطلاح تفویض‌گرا قرار دارد که انسان را دارای اختیار مطلق می‌داند و هر گونه دخالتی از سوی خداوند در افعال انسان را رد می‌کند. در اندیشه شیعه هیچ کدام از این دو نگرش پذیرفتنی نیستند و امامان شیعه دیدگاه سومی را از گذر نفی جبر و تفویض معرفی کرده‌اند. از این دیدگاه با عنوان «امر بین الامرین» یاد شده است. حضرت رضا در پاسخ به پرسش از معنای این اصطلاح چنین فرمودند: «وَجُودُ السَّبِيلِ إِلَى إِيْتَانِ مَا أَمُرُوا بِهِ وَ تَرْكِ مَا نُهُوا عَنْهُ فَقُلْتُ لَهُ فَهَلْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَشِيَّةٌ وَ إِرَادَةٌ فِي ذَلِكَ فَقَالَ فَأَمَّا الطَّاعَاتُ فِإِرَادَةُ اللَّهِ وَ مَشِيَّتُهُ فِيهَا الْأَمْرُ بِهَا وَ الرِّضَا لَهَا وَ الْمُعَاوَنَةُ عَلَيْهَا وَ إِرَادَتُهُ وَ مَشِيَّتُهُ فِي الْمَعَاصِي النَّهْيُ عَنْهَا وَ السَّخَطُ لَهَا وَ الْخِذْلَانُ عَلَيْهَا قُلْتُ فَهَلْ لِلَّهِ فِيهَا الْقَضَاءُ قَالَ نَعَمْ مَا مِنْ



سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

فَعَلٌ يَفْعَلُهُ الْعِبَادُ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ إِلَّا وَ لِلَّهِ فِيهِ قَضَاءٌ قُلْتُ مَا مَعْنَى هَذَا الْقَضَاءِ قَالَ الْحُكْمُ عَلَيْهِمْ بِمَا يَسْتَحِقُّونَهُ عَلَى أَعْمَالِهِمْ مِنَ الثَّوَابِ وَالْعِقَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۲۴)؛ یعنی راه باز است که آنچه را خدا دستور داده انجام دهند و آنچه را نهی فرموده ترک کنند. پرسیدم: مگر در این مورد (اعمال بندگان) مشیت و اراده خداوند جاری نیست؟ فرمودند: اما در مورد طاعات، عبارت است از: دستور و رضایت خداوند به آن عمل و یاری نمودن ایشان در انجام آن است و اراده و مشیت خدا در مورد معاصی عبارت از نهی کردن و خشمگین بودن از آن عمل و یاری نکردن بندگان در انجام آن. پرسیدم: آیا خداوند در مورد اعمال بندگان «قضا» دارد؟ فرمودند: آری، هیچ فعلی را بندگان از خیر و شر انجام ندهند مگر اینکه خداوند در مورد آن کار؛ قضایی دارد. پرسیدم: معنی این قضا چیست؟ فرمودند: اینکه خداوند حکم می کند آن ثواب و عقابی که در دنیا و آخرت به خاطر اعمالشان مستحق آن هستند به ایشان داده شود.

در این عبارت دو نکته از اهمیت بیشتری برخوردار است: نخست نفی جبری بودن افعال انسان و دیگر مسئله قضای خداوند که به معنای این است که نتیجه هر راهی که ما انتخاب می کنیم مشخص می باشد و به هر نتیجه ای که رسیده ایم، خود آن را برگزیده ایم. این نگرش اعتقادی بر امور دیگر زندگی نیز تأثیرگذار است، به همین دلیل در برنامه ها، متون و فعالیت های تربیتی تبیین این دیدگاه می بایست مورد نظر قرار گیرد.

۶. فهم دقیق صفات خبری

در متون دینی صفاتی برای خداوند به کار رفته است که علاوه بر انسانی بودن، به گونه ای دارای بار معنایی منفی نیز هستند؛ برای مثال می توان به ایستادن خدا، شنیدن، دیدن، آمدن، کید، خدعه و فراموشی اشاره کرد. متکلمان از گذشته درباره این صفات به بحث پرداخته اند و دیدگاه های مختلفی را مطرح کرده اند؛ مانند تشبیه، تأویل و توقف. دیدگاه های تشبیهی و تجسیمی جزو نخستین و رایج ترین آن ها بوده است. در این زمینه از امامان شیعه و از جمله امام رضا پرسش هایی شده که نشان دهنده دیدگاه بایسته شیعه در این باره است.

در روایتی از امام رضا درباره صفات خبری پرسیده شده که حضرت فرمودند: «سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُوصَفُ بِالْمَجْئِءِ وَ الذَّهَابِ تَعَالَى عَنِ الْإِنْتِقَالِ إِنَّمَا يَعْنِي بِذَلِكَ وَ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ... قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَ عَنْ قَوْلِهِ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ عَنْ قَوْلِهِ وَ مَكْرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ عَنْ قَوْلِهِ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَسْخَرُ وَ لَا يَسْتَهْزِئُ وَ لَا يَمَكُرُ وَ لَا يُخَادِعُ وَ لَكِنَّهُ تَعَالَى يُجَازِيهِمْ جَزَاءَ السُّخْرِيَّةِ وَ جَزَاءَ الْإِسْتَهْزَاءِ وَ جَزَاءَ الْمَكْرِ الْخَدِيعَةَ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱/۱۲۶)؛ از قول خداوند که فرمود: «و فرمان پروردگارت فرا رسد و فرشتگان صف در صف حاضر شوند» پرسیدم، فرمودند: خدا موصوف به آمدن و نشد نگردد، خدا از انتقال برتر است، بلکه مراد آن است که امر پروردگار تو آمد و فرشتگان صف به صف بودند ... راوی گوید: از این آیات سؤال کردم؛ «خدا آن ها را مسخره می کند (و کیفر استهزاکنندگان را به آن ها



می‌دهد»، «خداوند آنان را استهزا می‌کند»، «و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش)، نقشه کشیدند و خداوند (بر حفظ او و آیینش)، چاره‌جویی کرد»، «می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آنها را فریب می‌دهد»، حضرت فرمودند: خدا مسخره نمی‌کند و استهزا و فریب و نیرنگ به کار نمی‌برد، بلکه مطابق عمل استهزا و نیرنگ آنان جزایشان می‌دهد، خداوند برتر است از آنچه که ظالمین می‌گویند.

حضرت در توضیح معنای آمدن خداوند، آن را به آمدن امر خدا معنا می‌کنند. نیز درباره صفات منفی نما؛ مانند مسخره، مکر، خدعه و استهزاء این توضیح را می‌دهند که معنای این صفات در واقع همان جزا و عقابی است که از نتیجه این اعمال می‌باشد که از قبیل جزای هر بدی همان بدی است با این عنوان نامیده شده است.

این روایت و روایات مشابه آن (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۰) می‌تواند نشان دهنده دیدگاه خاص شیعیان از زمان و زبان امامان نشان باشد. دیدگاه شیعه در این باب ارجاع متشابهات به محکومات است. مراد از محکومات نیز اعم از محکومات عقلی و نقلی است؛ از این رو شیعیان این ویژگی‌ها را انکار نمی‌کنند، اما برای آنها معانی در نظر می‌گیرند که با ذات متعال و بی‌انتهای خداوند سازگار باشد.

۷. نفی جسمانیت و مادیت از خداوند متعال

هدف دیگر تربیت اعتقادی آن است که متربی پس از طی روند تربیت، خداوند را جسم و مادی نداند. در روایتی از امام رضا در مورد این گفته که خداوند در هر شب جمعه به آسمان زمین نازل می‌شود و می‌گوید خداوند تحریف‌کنندگان کلمات را لعنت کند، نقل شده که فرمودند: «وَاللَّهِ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنَزِّلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْأَخِيرِ وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيَنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيَهُ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَأَتُوبَ عَلَيْهِ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۴۲۱)؛ به خدا قسم پیامبر چنین سخنی نگفته‌اند، بلکه فرموده‌اند: خداوند در ثلث پایانی هر شب و ابتدای شب جمعه فرشته‌ای را به آسمان دنیا نازل می‌کند و او را امر فرموده تا ندا دهد که آیا درخواست کننده‌ای هست تا درخواستش را برآورم و آیا توبه کننده‌ای هست تا او را ببخشایم ... یکی از لوازم این سخن نفی جسمیت از خداوند متعال است. همچنین در روایتی دیگر از آیه‌ای که درباره محبوب بودن خداوند از بندگانش سخن می‌گوید (مطفین ۸۳): ۱۵. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ؛ چنین نیست که می‌پندارند، بلکه آنها در آن روز از پروردگارش محجوب‌اند! پرسیده شد که حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُوصَفُ بِمَكَانٍ يَحُلُّ فِيهِ فَيُحْبَبَ عَنْهُ فِيهِ عِبَادُهُ وَ لَكِنَّهُ يَعْنِي إِنَّهُمْ عَنْ ثَوَابِ رَبِّهِمْ لَمَحْجُوبُونَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۲)؛ خداوند متعال به مکانی که در آن حلول یابد توصیف نمی‌شود، بلکه معنای محجوب بودن بندگان از او، محجوب بودن از ثواب اوست..

۸. درک نزدیک بودن خداوند متعال

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام تأکید بر نزدیک بودن خداوند به انسان و حضور همواره اوست. این مسئله در زندگی و بهبود شرایط فردی و نیز روابط اجتماعی تأثیر چشمگیری دارد. گذشته از این، چنین اعتقادی زمینه را برای درک بهتر

توحید پروردگار فراهم می‌کند. به همین دلیل در منابع دینی به آن توجه ویژه شده است.

قرآن کریم در تعبیرهایی لطیف نزدیک بودن خداوند را مطرح کرده است (وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ؛ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را، به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! آیات دیگری نیز به این حقیقت اشاره کرده‌اند. بقره (۲): ۱۸۶؛ ... إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ؛ ... پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک و اجابت کننده (خواسته‌های آنها) است. هود (۱۱): ۶۱؛ ... إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ؛ ... او شنوای نزدیک است. سبأ (۳۴): ۵۰). امام رضا در این باره می‌فرماید: «إِنَّ مُوسَى بْنَ عَمْرَانَ لَمَّا نَجَّى رَبَّهُ قَالَ يَا رَبُّ أَعْبِيدُ أَنْتَ مِنِّي فَأَنَادِيكَ أَمْ قَرِيبٌ فَأَنَادِيكَ فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ ذَكَرْنِي ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۸۲)؛ موسی بن عمران در هنگام مناجات با پروردگار گفت که خدایا آیا از من دوری تا ندایت دهم یا نزدیکی تا نجوایت کنم. خداوند متعال به او وحی کرد که من همشین کسی هستم که به یاد من باشد

اعتقاد به این مطلب که خداوند به انسان نزدیک می‌باشد و همیشه و همه جا همراه اوست و او همواره در محضر باری تعالی است، تأثیر بسیار زیادی بر درونی شدن کارهای اخلاقی دارد. از سوی دیگر از نظر عاطفی نیز درک حضور و نزدیکی خداوند قابل توجه است. با توجه به روایت یاد شده باید گفت که در روند تربیت از دیدگاه امام رضا ، بایسته است که متری در حوزه اعتقادات چنین باوری داشته باشد.

فردی که گویا منکر وجود خدا بوده از امام رضا پرسید که چرا خداوند برای بسیاری از انسان‌ها محبوب است؟ امام رضا در پاسخ فرمودند: «إِنَّ الْحِجَابَ عَلَى الْخَلْقِ لَكَثْرَةٍ ذُنُوبِهِمْ فَأَمَّا هُوَ فَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۲۵۲)؛ محبوب بودن پروردگار بر مخلوقات به خاطر زیادی گناه آنان است؛ چرا که بر خداوند هیچ چیز در لحظه‌های شبانه روز بر او پوشیده نیست. چنان که پیداست این مهم از جنبه‌های مختلف در زندگی انسان اثر گذار است.

۹. درک دقیق و همه جانبه توحید باری تعالی

در میان مباحث مربوط به دین، خداشناسی دارای اهمیت بیشتر و جایگاه اصیل تر است. در میان مسائل و مباحث خداشناسی نیز توحید و معنا و مراتب آن اصل و هدف نهایی به‌شمار می‌رود. بنابراین درک دقیق و همه جانبه از توحید پروردگار اصل اساسی و هدف نهایی است که هر فرد دین‌دار در عرصه اعتقادی می‌بایست در پی آن باشد. به همین دلیل در سخنان امام رضا به صورت ویژه به این بحث پرداخته شده است. جدای از روایات کوتاه در این باره، حضرت در خطبه‌ای به صورت مفصل مباحث خداشناسی و توحیدی را مطرح کرده‌اند. جایگاه توحید در این خطبه باعث شده تا به آن عنوان خطبه توحیدی امام رضا داده شود (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۳۴). این خطبه از جهت مضامین نیز بسیار عمیق و از مفاخر بیانات معصومین در این زمینه به‌شمار می‌رود. آنچه در این عنوان به صورت مختصر توضیح داده خواهد شد برخی از مهم‌ترین فرازهای سخنان حضرت درباره توحید و انواع آن خواهد بود.



سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

امام رضا در روایتی به پرسش‌های یکی از یارانشان درباره توحید باری تعالی و تفاوت آن با وحدت انسان‌ها چنین فرمودند: «... لَا يُشْبَهُهُ شَيْءٌ وَلَا يُشْبَهُهُ هُوَ شَيْئًا قُلْتُ أَجَلَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ لَكَ نِكَكَ قُلْتُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ وَقُلْتُ لَا يُشْبَهُهُ شَيْءٌ وَاللَّهُ وَاحِدٌ وَالْإِنْسَانُ وَاحِدٌ أَلَيْسَ قَدْ تَشَابَهَتْ الْوَحْدَانِيَّةُ قَالَ يَا فَتْحُ أَحَلَّتْ تَبَتُّكَ اللَّهُ إِنَّمَا التَّشْبِيهُ فِي الْمَعْنَى فَأَمَّا فِي الْأَسْمَاءِ فَهِيَ وَاحِدَةٌ وَهِيَ دَالَّةٌ عَلَى الْمُسَمَّى وَذَلِكَ أَنَّ الْإِنْسَانَ وَإِنْ قِيلَ وَاحِدٌ فَإِنَّهُ يُخْبِرُ أَنَّهُ جِنَّةٌ وَاحِدَةٌ وَكَأَنَّ بَاتِّينَ وَالْإِنْسَانَ نَفْسَهُ لَيْسَ بِوَاحِدٍ لِأَنَّ أَعْضَاءَهُ مُخْتَلَفَةٌ وَالْوَأْنَةُ مُخْتَلَفَةٌ وَمِنْ الْوَأْنَةِ مُخْتَلَفَةٌ غَيْرٌ وَاحِدٌ وَهُوَ أَجْزَاءٌ مُجْزَأَةٌ لَيْسَتْ بِسَوَاءٍ ذِمَّةٌ غَيْرَ لِحْمِهِ وَكَحْمِهِ غَيْرَ ذِمَّةٍ وَعَصْبُهُ غَيْرَ عُرْوَةٍ وَشَعْرُهُ غَيْرَ بَشْرَةٍ وَسَوَادُهُ غَيْرَ بَيَاضِهِ وَكَذَلِكَ سَائِرُ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَالْإِنْسَانُ وَاحِدٌ فِي الْأَسْمِ وَلَا وَاحِدٌ فِي الْمَعْنَى وَاللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ هُوَ وَاحِدٌ لَا وَاحِدَ غَيْرَهُ لَا اخْتِلَافَ فِيهِ وَلَا تَفَاوُتَ وَلَا زِيَادَةَ وَلَا نُقْصَانَ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ الْمَخْلُوقُ الْمَصْنُوعُ الْمُؤَلَّفُ مِنْ أَجْزَاءٍ مُخْتَلَفَةٍ وَجَوَاهِرِ شَتَّى غَيْرَ أَنَّهُ بِالْاجْتِمَاعِ شَيْءٌ وَاحِدٌ...» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۸/۱)؛ ... هیچ چیز به خداوند شبیه نیست و خداوند نیز به هیچ چیز شبیه نمی‌باشد. گفتم: بله، قربانت گردم، لکن فرمودید: احد و صمد (بی‌نیاز) است. همچنين فرمودید: به هیچ چیز شبیه نیست، در حالی که خداوند یکی است، انسان هم یکی است، پس در وحدانیت و یکی بودن، به یکدیگر شبیه‌اند! حضرت فرمودند: ای فتح! حرف محالی می‌زنی، خداوند ثابت قدمت گرداند. (آن) تشبیه (که ما آن را نفی می‌کنیم) در معانی است، اما اسم در مورد همه یکی است و نشان دهنده مسمی است، به این ترتیب که انسان را گرچه می‌توان «واحد» و «یکی» دانست، اما منظور این است که یک شیء و یک جثه است و دو تا نیست. اما خود انسان «واحد» (حقیقی) نیست؛ زیرا دارای اعضای گوناگون است، رنگ‌هایش مختلف و زیاد است و یکی نیست، انسان عبارت است از مجموعه اجزائی که با هم فرق می‌کنند، خونس با گوشتش تفاوت دارد، گوشتش با خونس فرق می‌کند، رشته‌های اعصابش غیر از رگ‌هایش است، مویش غیر از پوستش است، سیاهی‌اش غیر سفیدی‌اش است و همین گونه می‌باشند سایر مخلوقات. پس انسان از نظر اسم «واحد» است، اما در معنا «واحد» نیست و خداوند تبارک و تعالی واحدی است که واحد دیگری جز او نیست، اختلاف و تفاوتی در او نیست، زیاده و نقصان در او راه ندارد، اما انسان مخلوق مصنوع که از اجزای مختلف و مواد گوناگون ساخته شده است، مختلف و متفاوت است و زیاده و نقصان دارد، هر چند در کل یک چیز است ...

در واقع همان‌گونه که امام نیز تصریح کرده‌اند، خداوند هم مرتبه احدیت را داراست و هم مرتبه احدیت را. این مرتبه از توحید به توحید ذاتی نیز مشهور شده است. مرتبه دیگر توحید، توحید صفاتی می‌باشد که در مورد چهارم با عنوان عینیت ذات و صفات بیان گردید. مرتبه دیگر توحید افعالی می‌باشد؛ به این معنا که تنها مؤثر در هستی که به صورت مستقل عمل می‌کند خداوند متعال است. در این نگرش همه موجودات غیر خداوند در کارهایشان وابسته به خداوند هستند و از خود استقلالی ندارند. هر کاری که در هستی تحقق می‌یابد به خواست و اراده او رخ می‌دهد. امام رضا در این باره می‌فرمایند: «مَنْ أَقْرَبَ تَوْحِيدِ اللَّهِ ... وَ أَقْرَبَ أَنْ لَهُ الْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ وَالْإِرَادَةَ وَالْمَشِيئَةَ وَالْخَلْقَ وَالْأَمْرَ وَالْقَضَاءَ وَالْقَدْرَ ... هُوَ مِنْ شِيعَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۵۰)؛ کسی که به یگانگی خدا ... و اینکه هر قدرت، نیرو، ارده و مشیتی از سوی اوست اقرار کند و






سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

به عالم خلق و امر و قضا و قدر باور داشته باشد ... از ما اهل بیت به حساب می آید.

این نگرش؛ یعنی خداوند در صحنه با نگرش خداوند ساعت ساز لاهوتی و خدای رخنه پوش تفاوت عمیق و اساسی دارد. در این نگرش همه کارها به دست خداوند است و او همواره حاضر و ناظر در همه جا و بر همه امور می باشد؛ به همین دلیل این باور در حوزه رفتار انسان جایگاه مهمی را به خود اختصاص می دهد. این مؤمنان در انجام کارهای خود همواره از خداوند یاری می جویند و خود را وابسته مطلق به او می دانند و تنها به او و کسانی که او معین کرده، دل می بندند. امیدواری، اطمینان و آرامش و رضایت مندی از جمله مهم ترین پیامدهای این باور است.

توحید در عبادت مرتبه دیگری است که در آیات قرآن کریم و روایات به آن توجه بسیار شده است. در قرآن می خوانیم که خداوند برای هر امتی رسولی فرستاده تا خداوند را عبادت کنند و از طاغوت دوری گزینند (نحل (۱۶): ۳۶. *وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ* ... ؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید!» (...). امام رضا در احتجاج با جاثلیق فرمودند که ما به عیسایی که به محمد ایمان داشت ایمان داریم. عیسای شما هم مشکلی ندارد مگر اینکه نماز می خواند و روزه می گرفت. جاثلیق گفت که چنین نیست و عیسی حتی یک روز را بدون روزه نبود و شبها نمی خوابید و شب زنده داری می کرد. امام فرمودند: برای تقرب به چه کسی نماز می خواند و روزه می گرفت؟ جاثلیق سکوت کرد و جوابی نداد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۱). حضرت در این سخن به این مطلب توجه داده اند که عبادت باید فقط برای خداوند باشد؛ از این رو چون به اعتقاد مسیحیان عیسی خداست پس عبادت او وجهی نخواهد داشت.

از سخنان حضرت رضا می توان شواهدی نیز در تأیید معنای قابل دفاع از وحدت وجود^۱ ارائه کرد: «أَمَّا الْوَاحِدُ فَلَمْ يَزَلْ

۱. با توجه به اینکه وحدت و وجود هر کدام معناهای مختلفی دارند، طرفداران وحدت و وجود نیز برای آن معانی مختلفی مطرح کرده اند مانند وحدت شخصی (صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة*، ج ۶، ص ۱۰۸)؛ و وحدت وجود و کثرت موجودات که منسوب به آن وجود واحدند (همان، ج ۱، ص ۷۲) *معنای سوم*؛ و وحدت وجود و موجود در عین کثرت آنها؛ یعنی وحدت وجود و کثرت مراتب وجود، یا همان وحدت تشکیکی (سهروردی، شهادت الدین، *حکمة الإِشراق*، ص ۲۱۷؛ طباطبایی، محمد حسین، *نهایة الحکمة*، ص ۱۸؛ صدرالدین شیرازی، *الحکمة المتعالیة*، ج ۶، ص ۱۴-۱۵)؛ و وحدت حقیقت وجود و کثرت شئون وجود؛ این معنا منسوب به عرفاست. ایشان حقیقت وجود را امری واحد و شخصی می دانند و موجودات را شئون و تعینات آن حقیقت می دانند و وحدت وجود و کثرت مظاهر وجود، در این معنا نیز هم وحدت پذیرفته می شود و هم کثرت، اما در توجیه این کثرات بیان می گردد که موجودات غیر خداوند همه مظاهر واجب الوجود هستند. (حسن زاده آملی، حسن، *وحدت از دیدگاه*

وَاحِدًا كَانَتْ لَأَشْيَاءَ مَعَهُ بَلَاءٌ حُدُودٌ وَ لَأَ أَعْرَاضٌ وَ لَأَ يَزَالُ كَذَلِكَ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۲۹)؛ موجود یگانه همیشه وجود داشته و چیزی با او نبوده است بدون هرگونه حد و امور عرضی و همواره نیز همین گونه خواهد بود ...

نتیجه: تربیت فرایندی تدریجی می باشد که در آن مربی نقش محوری دارد و قادر است هر آنچه را بخواهد در مربی به وجود آورد؛ از این رو محتوای در اختیار مربی دارای اهمیت بسیار است. از آنجا که دین اسلام دارای نظام جامع تربیتی می باشد که در آن به تمام جنبه های تربیتی انسان پرداخته شده است، در جامعه اسلامی محتوای یاد شده برگرفته از آموزه های اسلامی خواهد بود. به عبارت دیگر در نگرش اسلامی، تمام آموزه های اسلامی می بایست از گذر فرایند تربیت به انسان ها منتقل گردد. این مسئله در مورد اعتقادات اسلامی یا اصول دین اهمیت بیشتری دارد. ایجاد باور به خداوند که مهم ترین اصل دینی هر مسلمانی به شمار می رود می باید اهداف و بایستگی های آن به صورت کامل و دقیق ارائه گردد. این اهداف از سوی پیامبر اکرم و امامان معصوم بیان شده است. با توجه به اینکه هر یک از معصومان در شرایط مختلف قرار داشته اند، برای دست یابی به دیدگاهی جامع در این زمینه باید سیره و سخنان هر یک از ایشان به صورت جداگانه مورد واکاوی قرار گیرد. این کار می باید در مورد تمام بخش های تربیت دینی به صورت مجزا صورت گیرد؛ برای مثال تربیت اعتقادی که یکی از انواع تربیت می باشد، از جهات مختلفی قابل تقسیم است: از جهت هدف و روش تربیت، نیز از جهت عرصه تربیت به چهار عرصه اعتقاد به خداوند، اعتقاد به پیامبری، اعتقاد به امامت و اعتقاد به معاد تقسیم می شود. هر کدام از آن ها نیز می تواند بر اساس سیره و سخنان هر یک از معصومان بررسی شوند. در این مقاله اهداف تربیت اعتقادی در عرصه ایجاد باور به وجود خداوند از دیدگاه امام رضا بررسی گردید، اما همچنان از دیگر جنبه ها نیز می توان به آن توجه کرد.



سومین همایش ملی روانشناسی تعلیم و تربیت و سبک زندگی

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **الأمالی**، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **التوحید**، تصحیح هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، **صفات الشیعه**، تهران، اعلمی، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، **عیون اخبار الرضا**، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. اعرافی، علیرضا و دیگران، **فقه تربیتی**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۸. حسن زاده آملی، حسن، **وحدت از دیدگاه عارف و حکیم**، قم، الف. لام. میم، ۱۳۸۳ ش.
۹. حق شناس، علی محمد و دیگران، **فرهنگ هزاره**، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱ ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، دمشق - بیروت، دارالعلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. شرتونی، سعید، **اقرب الموارد**، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. صانعی، سید مهدی، **پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی**، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، **الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة**، قم، مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۸.
۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، **شرح اصول الکافی**، تصحیح محمد خواجه جوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، **نهایه الحکمة**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶.
۱۷. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. فتحعلی، محمود، مصباح، مجتبی، یوسفیان، حسن، **فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی**، تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.

سومین همایش ملی
روانشناسی
تعلیم و تربیت و سبک زندگی

ISC
کتابخانه تخصصی همایش
۹۸۱۰-۶۶۶۵

3rd National Conference on Psychology, Education and Lifestyle

دانشگاه پیام نور استان قزوین

۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن، **المحجۃ البيضاء فی تهذیب الأحياء**، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، مؤسسه اعلیٰ للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۲۲. گروه نویسندگان، **فلسفه تعلیم و تربیت**، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۴ش.
۲۳. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۴۲۶ق.
۲۴. مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، صدرا، ۱۳۷۳ش.
۲۵. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲ش.
۲۶. مرتضوی، سید محمد، **اصول و روش ها در نظام تربیتی اسلام**، مشهد، انتشارات گلنشر، ۱۳۷۵ش.
۲۷. مهیار، رضا، **فرهنگ ابجدی**، بی نا، بی تا.

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



PROPOSAL
پروپوزال

پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی



روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین
روش تحقیق و مقاله نویسی علوم انسانی



ISI
Scopus



آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

دکتره تهرانی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو